

## بررسی هویت یابی عقیدتی و بین فردی دانش آموزان شاهد در مقاطع تحصیلی سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی

شاهرخ مکوند حسینی<sup>۱</sup>، طیبه طبری<sup>۲</sup>

### چکیده

در پژوهش حاضر که به منظور بررسی هویت یابی عقیدتی و بین فردی نوجوانان شاهد در مقاطع تحصیلی سوم و پیش دانشگاهی صورت گرفت تعداد  $n=205$  نفر از نوجوانان دختر و پسر شاهد در مقاطع تحصیلی ذکر شده از نظر هویت یابی عقیدتی و بین فردی با استفاده از پرسشنامه هویت یابی آدامز بررسی و با همتایان عادی شان مقایسه شدند. نتایج حاکی از این است که نوجوانان شاهد، بدون در نظر گرفتن مقطع تحصیلی شان، هم از لحاظ عقیدتی و هم از لحاظ بین فردی در منزلت هویتی بحران زده به گونه معنادار تجمع بیشتری یافته اند؛ در حالیکه بررسی مقاطع تحصیلی بطور مجزا، فراوانی یکسان نوجوانان شاهد پسر مقطع تحصیلی سوم دبیرستان را در منزلتهای هویتی چهار گانه منعکس ساخت. بررسی های دیگر نیز نشان داد که نوجوانان دختر و پسر شاهد در هر دو مقطع تحصیلی هیچ تفاوتی با همتایان عادی خود ندارند و همگی در مرحله سوم هویت یابی از درصد فراوانی بالاتری نسبت به منزلت های دیگر برخوردارند.

کلید واژه ها: هویت یابی، دانش آموزان شاهد، سردرگمی هویت، دنباله روی، بحران زدگی، هویت یافتگی، هویت یابی عقیدتی، هویت یابی بین فردی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup> استادیار دانشگاه سمنان [shmavand@yahoo.com](mailto:shmavand@yahoo.com)

<sup>2</sup> کارشناس مدیریت و برنامه ریزی آموزشی

## مقدمه

موضوع شکل‌گیری هویت، موضوعی است که سنتهای فرهنگی سراسر جهان را در طول زمان آینده می‌سازد. مثالهای بارزی از اسطوره‌شناسی وجود دارند که شکل‌گیری هویت را مانند سیری آکنده از خطر به تصویر می‌کشند (کمبل 1949 به نقل از برج علی 1378).<sup>۳</sup> روانشناسان نوجوانی چارچوبهایی برای تحول هویت و مراحل متوالی آن تعیین کرده‌اند که درک این خط سیر پیچیده را در خلال نوجوانی آسانتر می‌سازد. آنچه که به گونه‌ی مشخص نوجوان با آن روبرو می‌شود پاسخ به یک سؤال اساسی و مهم یعنی: «من چه کسی هستم؟» است. اما هنگامی که نوجوان در مقام پاسخ به این سؤال بر می‌آید خود را در هزار توی زندگی گرفتار می‌یابد. چرا که انسان موجودی است چند بعدی و هویت او از ترکیب هویت‌های گوناگون تشکیل می‌شود لذا تصمیم‌گیری در مورد پاسخ به این سؤال که به گونه‌ی ضمنی مقصد و هدف آینده‌ی زندگی فرد را تعیین خواهد کرد، چندان ساده نیست و نوجوان بایستی پس از بررسی راههای متعدد و مقایسه‌ی هویت‌هایی که در زمینه‌های گوناگون زندگی از جمله مذهب، شغل، تشکیل خانواده، سیاست و دیگر امور شخصی متصور است، در مورد هویت خود تصمیم بگیرد. اما اگر نتواند نوعی هماهنگی و تعادل میان هویت‌های مختلف خود ایجاد نماید و با انتخابی صریح و قاطع به تعیین هویتی مستقل برای خویش نایل آید، نخواهد توانست به فردیتی که لازمه‌ی یک شخصیت سالم و مستحکم است دست یابد. در این روند عوامل تاثیرگذار بسیاری وجود دارد که وضعیت را برای نوجوان پیچیده‌تر می‌سازد. شکل‌گیری هویت تحت تاثیر زمینه‌های گسترده اجتماعی و تاریخی می‌باشد و نوجوان باید بعد از کشف نکته‌های بسیار، هویت شخصی خود را انتخاب کند، علاوه بر این، انتخاب این اهداف خاص در زندگی توسط نوجوان به فرصت‌های قابل دسترسی و ارزشمند در جامعه بستگی دارد (کت و لوین، 1988).<sup>۴</sup> تحول شناختی نوجوان را قادر می‌سازد که هویت‌هایی را که در آینده بدست می‌آورد، تصور کند و نوجوانانی که به سطوح بالاتری از تفکر انتزاعی دست می‌یابند، بیشتر از نوجوانانی که هنوز به بلوغ فکری نرسیده‌اند قادر به حل مسایل هویتی خود می‌شوند (سیگلمن و شفر، 1995 به نقل از بر جعلی، 1378).<sup>۶</sup> بنابراین گاه اتفاق می‌افتد که هویت‌یابی موفق نوجوان از مرحله‌ی نوجوانی فراتر رفته و تا اوایل بزرگسالی به تعویق می‌افتد و یا دچار وقفه می‌شود و به هویتی که دیگران به او تحمیل کرده‌اند تن در می‌دهد.

---

1 - Campbell

4- Cote

5- Levine

6- Siglman

7- Shaffer

مارسیا<sup>۸</sup> (1996) چهار وضعیت یا حالت جداگانه را دربارهٔ رشد هویت در نوجوانان مشخص کرده است و نوجوان سرانجام پس از پشت سر نهادن دوره‌ای از سردرگمی، دنباله‌روی از دیگران و بحران زدگی مسیر اصلی زندگی خویش را باز می‌یابد و در محورهای مختلف دست به جهت‌گزینی می‌زند. اما در عین حال ممکن است نوجوان در شرایطی قرار گیرد که هرگز نتواند به مراحل پایانی هویت‌یابی که هویت‌یافتگی است دست یابد و در یکی از منزلت‌های پائین‌تر تثبیت شود. جالب توجه است که بحران زدگی یا قرار گرفتن در منزلت هویتی بحران زده در دورهٔ نوجوانی نه تنها نشان‌دهندهٔ وخامت وضع نوجوان نیست بلکه نشانهٔ مثبتی از قرار گرفتن نوجوان در آستانهٔ رسیدن به هویت‌یافتگی یا همان هویت در راه تحقق است و بحران به منزلهٔ دورهٔ فعالی است که فرد در آن در جستجوی پاسخ به سؤالات دربارهٔ مجموعه‌ای از ارزش‌ها یا اصولی است که قصد تعقیب آنها را دارد. و در واقع در مرحله‌ای از زندگی عدم وجود بحران یا به عبارتی مطرح نشدن سؤال اصلی «من چه کسی هستم؟» است که نابهنجار تلقی می‌شود. کسب احساس هویت مهمترین رویداد دوره نوجوانی است. به طور خلاصه هویت آن است که شخص بداند کیست و مقصدش کجاست از اینرو کار مسافر آشفته‌ای که در طول دورهٔ نوجوانی پیش می‌رود پاسخگویی به سؤال بحرانی «من کیستم؟» می‌باشد (کرباسی و وکیلان، 1379).

اریک اریکسون معتقد بود یکی از مسائل عمده که نوجوان با آن روبرو می‌شود مسئله تکوین هویت شخصی است. به این معنی که باید به پرسشهایی نظیر «من کیستم؟» و «مقصدم کجاست؟» پاسخ دهد. هر چند اریکسون اصطلاح «بحران هویت» را برای توصیف فرایند فعال توصیف خویشتن پیش کشید اما بر این باور بود که بحران هویت بخش جدایی‌ناپذیری از رشد روانی اجتماعی سالم است. در همین راستا اغلب روانشناسان رشد معتقدند که نوجوانی باید دورهٔ تجربه نقشها باشد بدین معنی که افراد جوان در طی آن بتوانند به کند و کاو در رفتارهای گوناگون، علایق و جهان‌بینی‌ها بپردازند. بسیاری از باورها، نقش‌ها و شیوه‌های رفتاری ممکن است در تلاش برای دستیابی به مفهوم یکپارچه‌ای از خود دگرگون شوند. نوجوان می‌کوشد با تلفیق این ارزشها و ارزیابیها به تصویر یکپارچه‌ای از خویش دست یابد. اگر ارزشهای مورد تأکید والدین، معلمان و هم سالان با هم همخوان باشد هویت‌یابی آسانتر می‌شود در یک جامعه همگن هویت‌یابی تا حدودی سهل‌تر صورت می‌گیرد اما در جوامع ناهمگن و پیچیده هویت‌یابی برای بسیاری از نوجوانان کار دشواری است. (اتکینسون و هیلگارد<sup>۹</sup> 1381). نوجوان در جستجوی من یا هویت خویش است. او سعی می‌کند عناصر پراکنده و متفرق شخصیت خود را با همدیگر مرتبط سازد و تعارض‌های قبلی را از نو تجربه کند و در این راه غالباً با والدین خویش درگیر می‌شود. او پشت سر هم نقش‌های مختلف و رفتارهای مختلف را تجربه می‌کند و سپس آنها را به یکسو می‌نهد اغلب اتفاق می‌افتد که نوجوان به یک ساخت‌دهی پایدار شخصیت نایل نمی‌گردد و در نتیجه با فکر پراکندگی وجود خود به

<sup>۸</sup> -Marcia

<sup>۹</sup> - Hilgard

سر می‌برد. پاره‌ای از نوجوانان به دریافت این فکر که موجودی یگانه و از لحاظ جنسی متمایز هستند و بزودی باید مسئولیت‌های حرفه‌ای و خانوادگی بر عهده بگیرند نایل نمی‌آیند (منصور، دادستان، 1380).

در مطلوب‌ترین شرایط بحران هویت باید در اوایل یا اواسط دهه سوم عمر حل شود تا فرد بتواند به مسائل دیگر زندگی بپردازد. وقتی این فرایند با موفقیت انجام پذیرد می‌گوییم فرد به هویت دست یافته است به این معنی که وی به مفهوم یکپارچه‌ای از هویت خویش نایل شده است (اتکینسون<sup>۱۰</sup> و هیلگارد 1381).

هنگامی که فرد به دوره نوجوانی می‌رسد زندگی در خانواده، با گروه هم سالان و آموزشگاه را تجربه کرده، و در هر یک از آنها نقشی داشته است. در عبور از مراحل کودکی، فرد تصویری از خود بدست می‌آورد که انعکاس از دیدگاه والدین، هم سالان و یا معلمان اوست چنین انعکاسی از خویشتن «خود آینه‌ای» او را تشکیل می‌دهد. که در شرایط مطلوب تحت تاثیر تفکر نوجوان درباره خویشتن و برقراری رابطه بین من‌های سالهای گذشته زندگی شکل جدیدی به خود می‌گیرد. نوجوان اکنون می‌فهمد که خواسته‌ها و تمایلاتش از دیگران متفاوت است و افکار و اندیشه‌هایش به خودش تعلق دارد. با ادراک جدیدی که نوجوان از خود بدست می‌آورد طرح آتی شخصیت خود را در خیال تصور کرده و من ایده‌آل خود را شکل می‌دهد که با من ایده‌آل کودکی که تنها انعکاس افکار و اندیشه و خواسته‌های والدین بود بسیار متفاوت است. به هر حال بسیاری از نوجوانان بحران هویت خود را تا سنین 20-19 سالگی حل می‌کنند با وجود این در شروع و پایان این بحران تنوع گسترده‌ای وجود دارد بسیاری از نوجوانان علیرغم تفاوت‌های شخصیتی اجتماعی، فرهنگی و غیره به مرحله «پیشرفت هویت» می‌رسند اما برخی دیگر بازمانده و دچار «سردرگمی هویت» می‌شوند و خطر بازگشت به مرحله وابستگی کودکی و یا خیال پردازی درباره آینده ناشناخته آنان را تهدید می‌کند. چنین نوجوانانی در تصمیم‌گیری و تعهد مشکل دارند و نسبت به امور تحصیلی، سیاسی و اجتماعی علاقه یا تمایلی ندارند، به عقیده اریکسون «پراکندگی هویت» عمده‌ترین خطر روان‌شناختی دوره نوجوانی است. گروهی دیگر از نوجوانان فعالانه در جستجوی راهی برای تسلیم خود نسبت به امور با معنی و یا دیدگاه‌های سیاسی، در حالت تلاش برای احراز هویت تا دوره بزرگسالی باقی می‌مانند آنان ممکن است هنوز در اندیشه مذهب و سیاست باشند و به دیدگاه‌های والدینشان شک کنند اما تا این زمان چیزی که بتوانند جایگزین آنها سازند هنوز پیدا نکرده‌اند به این حالت، «تعلیق یا بحران‌زدگی» گفته می‌شود. گروه دیگری نیز وجود دارند که اصلاً به دنبال کسب هویت نیستند. آنان هرگز احساس بحران هویت نمی‌کنند و هویتی را که والدینشان برایشان تعیین کرده‌اند به راحتی می‌پذیرند و به عبارتی در حالت «وقفه هویت‌یابی یا دنباله‌روی» قرار دارند (کرباسی، وکیلان 1379). و بالاخره گروهی از نوجوانان بحران هویت یعنی مرحله فعال پرسشگری درباره خود و تعریف خویشتن

<sup>10</sup> -Atkinson

را پشت سر گذاشته و شخصاً به مواضع فکری دست می‌یابند و به آنها پایبندند و در مورد شغل خود نیز به تصمیم قطعی رسیده‌اند آنان باورهای مذهبی و سیاسی خانواده خود را بررسی کرده و آنچه را به هویتشان همخوان نبوده است کنار گذاشته‌اند (اتکینسون و هیلگارد 1379).

هدف کلی تحقیق حاضر به وضوح بررسی وضعیت هویت‌یابی نوجوانان شاهد است و اهداف فرعی دیگر تحقیق که در راستای این هدف کلی قرار دارند را می‌توان بررسی هویت‌یابی نوجوانان شاهد در محورهای مختلف عقیدتی و بین فردی، بررسی مقایسه‌ای نوجوانان شاهد و غیر شاهد در زمینه هویت‌یابی عقیدتی و بین فردی و بررسی تاثیر جنسیت و پایه تحصیلی بر هویت‌یابی عقیدتی و بین فردی دانست.

مسئله اصلی پژوهشگر در این مقاله بررسی وضعیت هویت‌یابی نوجوانان شاهد در سنینی است که دوره فعال هویت‌یابی تلقی می‌شود. برای این منظور محقق از یک پارادایم مقایسه‌ای سود جست است که در آن اولاً میان نوجوانان شاهد و غیر شاهد مقایسه بعمل آمده است تا بتوان تاثیرات احتمالی مثبت و منفی شهادت اعضای خانواده را بر روند هویت‌یابی عقیدتی و بین فردی نوجوانان، بررسی کرد. دوماً محقق با مقایسه مقاطع تحصیلی سوم و پیش‌دانشگاهی، تحول هویت‌یابی نوجوانان را هدف قرار داده است سوماً محقق با مقایسه‌هایی که میان دانش‌آموزان دختر و پسر صورت داده و نیز با استفاده از بررسی جداگانه وضعیت هویتی هر یک از گروه‌های جنسیتی، امکان بررسی تفاوت‌های جنسی را نیز به گونه ضمنی میسر ساخته است.

#### سئوالات پژوهش:

- 1- دانش‌آموزان شاهد بطور کلی در کدامیک از منزلتهای هویتی (سردرگم، دنباله‌رو، بحرانزده، هویت یافته) تجمع بیشتری دارند؟
- 2- دانش‌آموزان شاهد به تفکیک جنسیت (دختر و پسر) در کدامیک از منزلتهای هویتی تجمع بیشتری دارند؟
- 3- دانش‌آموزان شاهد به تفکیک جنسیت و مقطع تحصیلی (سوم پسر، سوم دختر، پیش‌دانشگاهی پسر، پیش‌دانشگاهی دختر) در کدامیک از منزلتهای هویتی تجمع بیشتری دارند؟
- 4- دانش‌آموزان شاهد به تفکیک مقطع تحصیلی (سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی) در کدامیک از منزلتهای هویتی تجمع بیشتری دارند؟
- 5- دانش‌آموزان شاهد بطور کلی از نظر تجمع در منزلتهای هویتی چه تفاوتی با هم‌تایان غیر شاهد خود دارند؟
- 6- دانش‌آموزان شاهد به تفکیک مقطع تحصیلی از نظر تجمع در منزلتهای هویتی چه تفاوتی با هم‌تایان غیر شاهد خود دارند؟

7- دانش آموزان شاهد به تفکیک جنسیت از نظر تجمع در منزلتهای هویتی چه تفاوتی با همتایان غیر شاهد خود دارند؟

8- دانش آموزان شاهد به تفکیک جنسیت و مقطع تحصیلی از نظر تجمع در منزلتهای هویتی چه تفاوتی با همتایان غیر شاهد خود دارند؟

بر اساس دانش نظری موجود و یافته های تحقیقاتی که بر روی روند هویت یابی جوانان و نوجوانان تا کنون صورت گرفته و چکیده ای از آن آمد ، فرضیات محقق این است که در این سنین نوجوانان شاهد مانند سایر نوجوانان در مرحله فعال پرشگری می باشند و لذا قاعدتا<sup>۱۱</sup> می بایست در مرحله سوم هویت یابی یعنی منزلت بحران زده تجمع بیشتری داشته باشند. بعلاوه از مقطع تحصیلی سوم تا پیش دانشگاهی می بایست تعداد افراد بحران زده و هویت یافته افزایش نشان دهد. اما میان نوجوانان دختر و پسر نیز قاعدتا<sup>۱۲</sup> نباید تفاوتی وجود داشته باشد. فرضیه دیگر محقق این است که نوجوانان شاهد که در مدارس شاهد نیز در حال تحصیل اند، به دلایلی مانند: حمایت های سازمان بنیاد شهید از خانواده ها و فرزندان شهید، جلوگیری از ازهم پاشیدگی سازمان خانواده های شاهد، امکانات مناسب و کافی مدارس شاهد نسبت به مدارس دیگر و نیز به دلیل منزلت بالای اجتماعی خانواده های شاهد در جامعه، تاثیر منفی بر روند هویت یابی برجای نمی نهد و نوجوانان شاهد با همتایان غیر شاهد خود در وضعیت یکسان و یا حتی بالاتر هستند.

#### پیشینه پژوهش:

از هنگام مطرح شدن مسئله بحران هویت توسط اریکسون (1968) تا کنون تحقیقات بسیار فراوانی در این خصوص صورت گرفته و دیدگاههای گوناگونی در باره آن شکل گرفته است. از جمله می توان به دیدگاه های زیر اشاره کرد : دیدگاه دو قطبی (راسماسین،<sup>۱۱</sup> 1964 و تزاریل<sup>۱۲</sup>، 1984 به نقل از رحیمی نژاد) که در آن در یکسو هویت من تحکیم یافته و در سوی دیگر پراکندگی هویت قرار دارد و به آن مدل خطی نیز گفته می شود. دیدگاه بلس که ترجیح<sup>۱۳</sup> می داد از اصطلاح منش بجای هویت استفاده کندو اعتقاد داشت منش تحت تاثیر چهار عامل است : فرایند تفرد ثانوی، غلبه بر ضربه های دوران کودکی، پیوستگی من، و هویت جنسی و در سه مرحله : اوایل نوجوانی ، اواخر نوجوانی و پس از نوجوانی ، شکل میگیرد(بلس، 1968 به نقل از کروگر<sup>۱۴</sup>، 1993). لووینگر برای تحول من از تولد تا بزرگسالی

<sup>11</sup> -Rasmussin

<sup>12</sup> -Tzuril

<sup>13</sup> - Character

<sup>14</sup> -Kroger

هشت مرحله را معرفی می‌کند که سومین مرحله تحول من «همشکل طلبی با گروه همگنان» با آغاز نوجوانی شروع می‌شود. مرحله چهارم که یک مرحله انتقال است تحت عنوان «خودآگاهی» نام دارد. در این مرحله نوجوان نسبت به خود بصورت موجودی که از همسان‌سازی با هنجارهای گروه همگنان جدا شده آگاهی می‌یابد. و بین خود واقعی و خود آرمانی تمایز قایل می‌شود. مرحله پنجم تحول من تحت عنوان مرحله «وجدان اخلاقی» نامیده شده است که در آن نوجوان در قبال رفتارها و سرنوشت خویش خود را مسئول می‌داند. (لووینگر و همکاران 1976). کگان در دیدگاه دیگری برای تحول خود مرحله‌ای را به موازات مراحل لووینگر مطرح کرده است. وی مراحل تحول خود را براساس مصاحبه و با تکیه بر دوره‌های تحول شناخت پیازه تدوین کرده است (نوآم<sup>۱۵</sup> 1988). و بالاخره دیدگاه جامع دیگری که در این تحقیق نیز از آن بهره‌گیری شده است دیدگاه یا مدل ریخت شناختی مارسیا میباشد که در آن هویت فرد در دو سطح عقیدتی و بین فردی، و در هر سطح در چهار منزلت: سردرگمی هویت<sup>۱۶</sup>، دنباله‌روی<sup>۱۷</sup>، بحران زدگی<sup>۱۸</sup> و هویت یافتگی<sup>۱۹</sup> ترسیم می‌شود.

مدل ریخت شناسی مارسیا در طی سه دهه گذشته بصورت گسترده مورد توجه روانشناسان قرار گرفته و درصدها پژوهش بکار بسته شده است برای مثال میل من، (1977 به نقل از مارسیا،<sup>۲۰</sup> 1980). شکل‌گیری هویت را در 5 گروه سنی میان آزمودنی‌های مذکر در سنین 12، 15، 18، 21 و 24 سالگی مورد مطالعه قرار داد و به این نتیجه رسید که آزمودنی‌ها در آغاز نوجوانی دارای هویت دنباله‌رو یا سردرگم هستند و بیشترین تغییرات هویتی بین 21 تا 24 سالگی دیده می‌شود. لاویی<sup>۲۲</sup> (1976) در تحقیق دیگری درباره نوجوانان دختر و پسر دبیرستانی 15 تا 18 ساله روند افزایش هویت‌یابی را مورد بررسی قرار داده است. ولی علیرغم افزایش شکل‌گیری هویت این روند افزایش را معنی‌دار نمی‌یابد. واترمن (1982) نیز در یک بررسی فرا تحلیلی با استناد به مطالعات هووارد، لاویی، پومرانتز و آرچر نتیجه‌گیری کرده است که علیرغم تغییرات اندک در هویت نوجوانان درصد اندکی از نوجوانان تا پایان نوجوانی به هویت‌یابی نایل می‌شوند (هووارد<sup>۲۳</sup> 1960، لاویی 1976، پومرانتز<sup>۲۴</sup> 1976 و آرچر به نقل از واترمن، 1992). و بالاخره دابسون در تحقیقات خود به این نتیجه میرسد که: بطور کلی در خانواده‌هایی که محیط خانوادگی گرم و پذیرنده بوده و علاوه بر حمایت

15 -Noam

16 - Identity diffusion

17 - Foreclosure

18 - Moratorium

19 - Identity achievement

20 - Meilman

21 - Marcia

22 - Lavoie

23 -Howard

24 -Pomerantz

کافی از نوجوان و کمک به او در حل مسایل و مشکلاتش به فردیت اعضاء خانواده احترام گذاشته می‌شود و اجازه ابراز احساسات و تفکرات به صورت آزادانه به افراد داده می‌شود فرایند هویت‌یابی در سطح بالاتری درجه‌بندی می‌شود. در چنین خانواده‌هایی نوعی تمرکز بر تشخیص عقاید گوناگون، موافقت‌ها، مخالفت‌ها و رسیدن به راه‌حل رضایت‌بخش دیده می‌شود (گراتوانت<sup>۲۵</sup>، کوپر<sup>۲۶</sup>، 1983، به نقل از برجعلی، 1378). بالعکس در خانواده‌هایی که با شیوه استبدادی اداره می‌شوند فرصت ابراز وجود و بیان نقطه نظرات و عقاید و تصمیم‌گیری درباره امور به افراد داده نمی‌شود و معمولاً یک عضو خانواده عقاید و راه‌حل‌های خود را بر اعضای خانواده تحمیل می‌کند، کشف هویت نوجوان در سطح پایین‌تری درجه‌بندی می‌شود (اسکو<sup>۲۷</sup> و واندربلیپ<sup>۲۸</sup>، 1998 به نقل از همان منبع).

تحقیقات زیاد دیگری گزارش شده است که رابطه منزلت‌های هویتی ماریسیا را با مولفه‌های گوناگون مانند مذهب (مارک استروم<sup>۲۹</sup>، آدامز و همکاران، 1994؛ فولتن<sup>۳۰</sup>، 1997؛ بتسون و همکاران، 1993 به نقل از بیت اللحمی و آرچیل<sup>۳۱</sup>، 1997)، حرمت خود (آدامز و همکاران، 1989؛ بروئر<sup>۳۲</sup>، 1973؛ بانت<sup>۳۳</sup>، 1968؛ کابین، 1966؛ ماریسیا و فریدمن<sup>۳۴</sup>، 1970، اکونل<sup>۳۵</sup>، 1976، پراگر<sup>۳۶</sup>، 1982؛ راسماین، 1964؛ رید و همکاران، 1984؛ روزنفلد<sup>۳۸</sup>، 1972؛ شنکل و ماریسیا، 1972؛ سیمون<sup>۳۹</sup>، 1970؛ فنین<sup>۴۱</sup>، 1979، ماریسیا، 1967؛ اورلوفسکی<sup>۴۲</sup>، 1977 به نقل از رحیمی نژاد، 1378)، اضطراب (ماریسیا، 1967؛ پود<sup>۴۳</sup>، ماریسیا و رابین<sup>۴۴</sup>، 1961؛ کراس و آلن<sup>۴۵</sup>، 1970؛ اورلوفسکی، 1978، و توباسیک<sup>۴۷</sup>، 1981 به نقل از همان منبع) و اختلالات هیجانی (برنسون<sup>۴۸</sup>، 1959؛ کانستن

- 
- 25 -Gratoant
  - 26 -Cooper
  - 27 -Skoe
  - 28 - Von-der lippe
  - 29 -Markstrom
  - 30 -Fulton
  - 31 -Argyle
  - 32 -Breuer
  - 33 -Bunt
  - 34 -Friedman
  - 35 -O connell
  - 36 -Prager
  - 37 -Read
  - 38 -Rosenfeld
  - 39 -Schenkel
  - 40 -Simmon
  - 41 -Fannin
  - 42 -Orlofsky
  - 43 -Podd
  - 44 -Rubin
  - 45 -Cross
  - 46 -Allen
  - 47 -Tobacyk
  - 48 -Bronson

۴۹ تینوپل، ۱۹۷۰؛ هووارد و کابیس<sup>۵۰</sup>، ۱۹۶۴؛ مارسیا، ۱۹۶۷؛ مارسیا و فریدمن، ۱۹۷۰؛ آشنمن و مانویتز<sup>۵۳</sup>، ۱۹۷۴ به نقل از همان منبع) مورد بررسی قرار داده اند.

## روش

شیوه پژوهش: این پژوهش به شیوه توصیفی از نوع پیمایشی انجام شده است.

آزمودنی ها: جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه دانش آموزان شاهد و غیرشاهد که در سال تحصیلی (۸۲-۸۳) در پایه سوم متوسطه و پیش‌دانشگاهی مدارس شاهد تهران مشغول به تحصیل بوده اند را تشکیل می‌دهند. حجم نمونه مطابق با جدول مورگان ۵۱۸ نفر تعیین گردید. جدول زیر توزیع نمونه آماری را در طبقات شاهد و غیرشاهد نشان می‌دهد.

جدول (۱): توزیع نمونه آماری به تفکیک شاهد و غیرشاهد و مقطع تحصیلی

طبقات	سوم متوسطه		پیش‌دانشگاهی		جمع
	دختر	پسر	دختر	پسر	
شاهد	66	23	59	57	205
غیرشاهد	106	46	91	70	313

برای انتخاب نمونه‌ها از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. بدین صورت که در مرحله اول کلیه دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی شاهد تهران شناسایی شدند، سپس از میان دانش آموزان در حال تحصیل در این مدارس، در مقطع سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی، تعداد (۲۵۰) دانش‌آموز شاهد و (۳۵۰) دانش‌آموز غیر شاهد (در دامنه سنی ۱۷ الی ۱۹ سال) بصورت تصادفی نمونه‌گیری شد. از این تعداد (۴۵) دانش‌آموز شاهد و (۴۰) دانش‌آموز عادی به دلایل مختلف از نمونه حذف شدند.

ابزار: برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه هویت‌یابی آدامز (EOM-EIS2) استفاده شده است پرسشنامه مذکور یکی از پرسشنامه‌های شناخته شده و استاندارد هویت‌یابی است که توسط آدامز و همکاران (۱۹۸۹) در دو حوزه هویت عقیدتی، شامل موضع‌گیری فرد در انتخاب شغل، فلسفه زندگی، مذهب و امور سیاسی و هویت بین فردی، که به تنظیم

<sup>49</sup> -Constantinople

<sup>50</sup> -Howard

<sup>51</sup> -Kubis

<sup>52</sup> -Oshman

<sup>53</sup> -Manovitz

رابطه فرد با دیگران در انتخاب دوست تنظیم رفتار در برابر جنس مخالف، تصریح نقش همسری و انتخاب تفریحات توسط فرد را شامل می‌شود، طراحی گشته است. پرسشنامه حاوی 64 سؤال می‌باشد و پاسخگویی به سئوالات آن براساس مقیاس لیکرت است. این پرسشنامه توسط رحیمی نژاد و احمدی (1374) بر روی دانش آموزان ایرانی اعتبار یابی شده است و اعتبار آن از طریق آلفای کرونباخ برای هر یک از منزلت های سردر گم ، دنباله رو ، بحرانزده و هویت یافته در سطح عقیدتی به ترتیب 0/60، 0/73، 0/63، 0/59 و در سطح بین فردی 0/60، 0/81، 0/65، 0/68 برآورد شده است.

**شیوه تحلیل داده ها:** برای تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده از شاخص های آمار توصیفی نظیر فراوانی، درصد، نمودار و در سطح استنباطی از آزمون کای اسکویر تک متغیری استفاده شده است.

#### یافته ها

از آنجا که پرسشنامه هویت‌یابی آدامز دارای دو سطح عقیدتی و بین فردی است که هر سطح دارای چهار منزلت می‌باشد لذا افراد بر حسب پاسخ هایی که به سئوالات پرسشنامه داده اند در هر یک از چهار منزلت ذکر شده قرار گرفته اند. هر فرد دو مکان را به خود اختصاص داده است: یک مکان در منزلت های چهار گانه عقیدتی و یک مکان در منزلت های چهار گانه بین فردی. بعبارت دیگر هر فرد از نظر هویت عقیدتی بسته به نمره‌ای که گرفته در منزلت سردرگم، دنباله‌رو، بحران زده، و یا هویت یافته قرار گرفته و از نظر هویت بین فردی نیز باز بسته به نمره ای که در این قسمت گرفته منزلت سردرگم، دنباله‌رو، بحران زده و یا هویت یافته را به خود اختصاص داده است.

همانطور که قبلا هم ذکر شد افراد نمونه از نوجوانان دختر و پسر سوم و پیش دانشگاهی شاهد و غیر شاهد تشکیل میشود. لذا در وهله اول فراوانی های کل افراد شاهد در هر یک از منزلت های چهار گانه هویت های عقیدتی و بین فردی تعیین شد و با استفاده از آزمون غیر پارامتریک خی دو یکطرفه بررسی شد خی دو بدست آمده برای کل دانش آموزان شاهد در هویت عقیدتی (132/88) و در هویت بین فردی (157/50) می باشد که هر دو با درجه آزادی (3) در سطح آلفا (0/0001) معنادار است. نتایج حاکی از این است که فراوانی های مشاهده شده در سطح اطمینان 0/99 با فراوانی های مورد انتظار تفاوت دارد. با مراجعه به فراوانی های مشاهده شده معلوم می شود که تجمع افراد در منزلت بحران زده، یعنی سطح سوم هویت یابی، هم در هویت عقیدتی و هم در هویت بین فردی بیش از

دو برابر فراوانی مورد انتظار است در حالیکه فراوانی سایر منزلت ها تقریباً " در سطح هم و همگی پایین تر از فراوانی

های مورد انتظارشان است(به جدول شماره 2 نگاه کنید)

جدول شماره (2): نتایج مجذور خی در رابطه با انواع هویت در بین نمونه شاهد

هویت یابی بین فردی				هویت یابی عقیدتی				سطوح
هویت یافته	بحران زده	دنباله رو	سردرگم	هویت یافته	بحران زده	دنباله رو	سردرگم	شاخصها
15	128	29	33	26	120	18	38	فراوانی مشاهده شده
51	51	51	51	50	50	50	50	فراوانی مورد انتظار
-36	77	-22	-18	-24	70	-32	-12	تفاوتها
df= 3 و p= 0/0001 و =157/50 خی دو				df= 3 و p= 0/0001 و =132/88 خی دو				نتایج محاسبات

در وهله دوم برای بررسی تاثیر عامل جنسیت در روند هویت یابی عقیدتی و بین فردی نوجوانان شاهد، افراد نمونه به دو دسته دختر و پسر تقسیم گردیدند و پس از تعیین فراوانی های افراد و نیز محاسبه خی دو یکطرفه برای هر یک از گروه های جداگانه دختر و پسر، مشخص گردید که در هر دو جنس نیز وضعیت هویت یابی یکسان است. خی دو به دست آمده برای نوجوانان دختر شاهد در هویت عقیدتی (83/352) و در هویت بین فردی (102/424) می باشد که با درجه آزادی (3) در سطح آلفا (0/0001) معنا دار است. مشاهده فراوانی ها حاکی از آن است که تجمع افراد هم در هویت یابی عقیدتی و هم در هویت یابی بین فردی در منزلت بحران زده بیش از دو برابر فراوانی مورد انتظار است در حالیکه در سایر منزلتها فراوانی افراد تقریباً در سطح هم و همگی از فراوانی مورد انتظارشان کمتر است (به جدول شماره 3 نگاه کنید).

خی دو بدست آمده برای دانش آموزان پسر شاهد نیز در هویت عقیدتی (52/818) و در هویت بین فردی (57/200) است که هر دو با درجه آزادی (3) در سطح آلفا (0/0001) معنا دار می باشند. نتایج حاکی از این است که فراوانی های مشاهده شده در سطح اطمینان 0/99 با فراوانی های مورد انتظار تفاوت دارد و با مراجعه به فراوانی های مشاهده شده مشخص است که تجمع افراد در منزلت بحران زده، یعنی سطح سوم هویت یابی، هم در هویت عقیدتی و هم در هویت بین فردی بیش از دو برابر فراوانی مورد انتظار است در حالیکه فراوانی سایر منزلت ها

جدول شماره (3): نتایج مجذور خی در رابطه با انواع هویت دانش آموزان شاهد به تفکیک جنسیت

هویت یابی بین فردی				هویت یابی عقیدتی				شاخص	
هویت یافته	بحران زده	دنباله رو	سر درگم	هویت یافته	بحران زده	دنباله رو	سر درگم		
11	80	19	15	21	75	11	18	فراوانی مشاهده شده	پسر
31/25	31/25	31/25	31/25	31/25	31/25	31/25	31/25	فراوانی مورد انتظار	
-20/25	48/75	-12/25	-16/25	-10/2	43/7	-20/2	-13/25	تفاوتها Fo-Fe	
n=125، دو خی=102/42، df=3 و p=0/0001				n=125، دو خی=83/35، df=3 و p=0/0001				نتایج محاسبات	
6	40	10	10	9	40	7	10	فراوانی مشاهده شده	دختر
16/5	16/5	16/5	16/5	16/5	16/5	16/5	16/5	فراوانی مورد انتظار	
-10/5	-23/5	-6/5	-6/5	-7/5	-23/5	-9/5	-6/5	تفاوتها Fo-Fe	
n=80، دو خی=57/2، df=3 و p=0/0001				n=77، دو خی=52/81، df=3 و p=0/0001				نتایج محاسبات	

تقریباً در سطح هم و همگی پایین تر از فراوانی های مورد انتظارشان است (به جدول شماره 2 نگاه کنید). این مسئله حاکی از این است که نوجوانان پسر شاهد هم از نظر هویت یابی عقیدتی و هم از نظر هویت یابی بین فردی به گونه معنادار در منزلت بحران زده تجمع یافته اند.

در مرحله بعد بطور جداگانه به بررسی متغیر جنسیت در مقاطع تحصیلی سوم و پیش دانشگاهی پرداخته شد. بدین صورت که پس از جدا سازی نوجوانان دختر و پسر در هر یک از مقاطع به محاسبه فراوانی آنها در منزلت های چهار گانه هویت عقیدتی و بین فردی مبادرت شد و با استفاده از خی دو یکطرفه نتایج بررسی شدند. خی دو بدست آمده برای دانش آموزان سوم پسر در هویت عقیدتی (9/273) و در هویت بین فردی (6/391) بود که با درجه آزادی (3) در سطح معنادار قرار نگرفت. بنابر این نوجوانان پسر شاهد در مقطع تحصیلی سوم در منزلت های چهار گانه عقیدتی و بین فردی دارای تجمع یکسانی می باشند. با این حال مشاهده فراوانی ها حاکی از این است که تجمع افراد هم در هویت عقیدتی و هم در هویت بین فردی در منزلت بحران زده و سردرگم بیشتر از فراوانی های مورد انتظار است اما دو منزلت دیگر فراوانی های شان از فراوانی مورد انتظار کمتر است (به جدول شماره 4 نگاه کنید).

خی دو بدست آمده برای دانش آموزان سوم دختر نیز در هویت عقیدتی (44/90) و در هویت بین فردی (45/27) است که با درجه آزادی (3) در سطح آلفا (0/0001) معنا دار می باشد. مشاهده فراوانی ها حاکی از تجمع بیش از دو برابر فراوانی مورد انتظار در منزلت بحران زده است در حالی که فراوانی سایر منزلت ها تقریباً در سطح هم و همگی کمتر از فراوانی های مورد انتظارشان است (به جدول شماره 4 نگاه کنید).

جدول (4): نتایج مجذور خی در رابطه با انواع هویت در دانش آموزان شاهد سوم دبیرستان به تفکیک جنسیت

هویت یابی بین فردی				هویت یابی عقیدتی				شاخص	
هویت یافته	بحران زده	دنباله رو	سر درگم	هویت یافته	بحران زده	دنباله رو	سر درگم		
2	10	4	7	2	10	2	8	فراوانی مشاهده شده	سوم پسر
5/75	5/75	5/75	5/75	5/75	5/5	5/5	5/5	فراوانی مورد انتظار	
-3/75	4/25	1/75	1/25	-3/5	4/5	-3/5	2/5	تفاوتها Fo-Fe	
n=23، p = 0/09 و df = 3، خی=6/39				n=22، p = 0/206 و df = 3، خی=9/27				نتایج محاسبات	
6	40	10	10	9	40	7	10	فراوانی مشاهده شده	سوم دختر
16/5	16/5	16/5	16/5	16/5	16/5	16/5	16/5	فراوانی مورد انتظار	
-10/5	-23/5	-6/5	-6/5	-7/5	-23/5	-9/5	-6/5	تفاوتها Fo-Fe	
n=66، p = 0/0001 و df = 3، خی=45/27				n=66، p = 0/0001 و df = 3، خی=44/9				نتایج محاسبات	

خی دو محاسبه شده برای نوجوانان پیش دانشگاهی پسر شاهد در هویت عقیدتی و بین فردی به ترتیب (47/036) و (55/632) و برای نوجوانان پیش دانشگاهی دختر شاهد در هویت عقیدتی و بین فردی به ترتیب (39/237) و (58/356) است که همگی با درجه آزادی (3) در سطح آلفا (0/0001) معنادار است. مشاهده فراوانی ها نیز حاکی از تجمع بیش از دو برابر فراوانی مورد انتظار در منزلت بحران زده است در حالیکه فراوانی سایر منزلتها کمتر از فراوانی های مورد انتظارشان است (به جدول شماره 5 نگاه کنید).

جدول شماره (5): نتایج مجذور خی در رابطه با انواع هویت دانش آموزان پیش دانشگاهی به تفکیک جنسیت

هویت یابی بین فردی				هویت یابی عقیدتی				شاخص	
هویت یافته	بحران زده	دنباله رو	سر درگم	هویت یافته	بحران زده	دنباله رو	سر درگم		
2	38	6	11	4	35	5	12	فراوانی مشاهده شده	پیش دانشگاهی پسر
14/25	14/25	14/25	14/25	13/75	13/75	13/75	13/75	فراوانی مورد انتظار	
14/25	23/75	-8/25	-3/25	-10/75	21/25	-8/75	-1/75	تفاوتها Fo-Fe	
n=55، p = 0/0001 و df = 3، خی=55/63				n=55، p = 0/0001 و df = 3، خی=47/03				نتایج محاسبات	
5	40	9	5	12	35	4	8	فراوانی مشاهده شده	پیش دانشگاهی دختر
14/75	14/75	14/75	14/75	14/75	14/75	14/75	14/75	فراوانی مورد انتظار	

-9/75	25/25	-5/75	-9/75	-2/75	20/25	-10/75	-6/75	تفاوتها Fo-Fe
n=59، دو، $\chi^2=58/35$ ، $df=3$ و $p=0/0001$				n= 59، دو، $\chi^2=39/23$ ، $df=3$ و $p=0/0001$				نتایج محاسبات

در مرحله سوم این تحقیق به بررسی عامل مقطع تحصیلی بدون توجه به عامل جنسیت پرداخته شد. بدین صورت که پس از تعیین فراوانی های دانش آموزان سوم و پیش دانشگاهی شاهد نتایج با آزمون  $\chi^2$  دو یکطرفه بررسی شد.  $\chi^2$  دو بدست آمده برای افراد مقطع تحصیلی سوم دبیرستان در هویت عقیدتی (49/545)، در هویت بین فردی (48/034) و در مقطع تحصیلی پیش دانشگاهی در هویت عقیدتی (118/34) و در هویت بین فردی (123/34) بود که در هر چهار مورد با درجه آزادی (3) در سطح آلفا (0/0001) معنادارند. نتایج حاکی از این است که فراوانی های مشاهده شده در سطح اطمینان 0/99 با فراوانی های مورد انتظار تفاوت دارد. با مراجعه به فراوانی های مشاهده شده معلوم شد که تجمع افراد در منزلت بحران زده، یعنی سطح سوم هویت یابی، هم در هویت عقیدتی و هم در هویت بین فردی بیش از دو برابر فراوانی مورد انتظار است در حالیکه فراوانی سایر منزلت ها پایین تر از فراوانی های مورد انتظارشان است. این مسئله حاکی از این است که دانش آموزان سوم و پیش دانشگاهی شاهد از نظر هویت یابی عقیدتی و بین فردی به گونه معنادار در منزلت بحران زده قرار دارند (به جدول شماره 5 نگاه کنید).

**جدول شماره (6): نتایج مجذور  $\chi^2$  در رابطه با انواع هویت دانش آموزان شاهد به تفکیک مقطع تحصیلی**

هویت یابی بین فردی				هویت یابی عقیدتی				شاخص	
هویت یافته	بحران زده	دنباله رو	سر درگم	هویت یافته	بحران زده	دنباله رو	سر درگم		
5	50	14	17	11	50	9	18	فراوانی مشاهده شده	سوم
22/25	22/25	22/25	22/25	22	22	22	22	فراوانی مورد انتظار	
-14/25	27/75	-8/25	-5/25	-11	28	-13	-4	تفاوتها Fo-Fe	
n=89، دو، $\chi^2=48/34$ ، $df=3$ و $p=0/0001$				n=88، دو، $\chi^2=49/54$ ، $df=3$ و $p=0/0001$				نتایج محاسبات	
7	78	15	16	15	70	9	20	فراوانی مشاهده شده	پیش دانشگاهی
29	29	29	29	29	29	29	29	فراوانی مورد انتظار	
-22	49	-4	-13	-14	41	-20	-9	تفاوتها Fo-Fe	
n=116، دو، $\chi^2=123/34$ ، $df=3$ و $p=0/0001$				n= 114، دو، $\chi^2=118/87$ ، $df=3$ و $p=0/0001$				نتایج محاسبات	

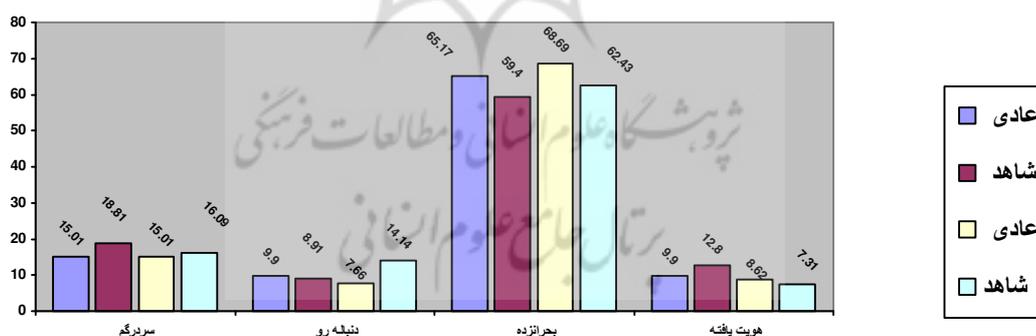
در مرحله دیگر تحقیق با استفاده از آزمون غیر پارامتریک **خی دو دو طرفه** ، گروه های سوم و پیش دانشگاهی دختر و پسر شاهد با همتایان عادی خود مقایسه شدند.

در مقایسه دانش آموزان عادی و شاهد بطور کلی خی دو دو طرفه برای هویت یابی عقیدتی و بین فردی به ترتیب (2/825) و (6/168) بدست آمد که با درجه آزادی (3) در سطح معنا دار قرار نگرفت. لذا میان گروه های عادی و شاهد از نظر هویت یابی عقیدتی و بین فردی هیچ گونه تفاوت معنا داری وجود ندارد. مشاهده درصد فراوانی افراد حاکی از این است که نوجوانان عادی نیز مانند نوجوانان شاهد 60 تا 70 درصد در منزلت بحران زده تجمع دارند و تراکشان در منزلت های دیگر بسیار کم است (به نمودار شماره 1 نگاه کنید).

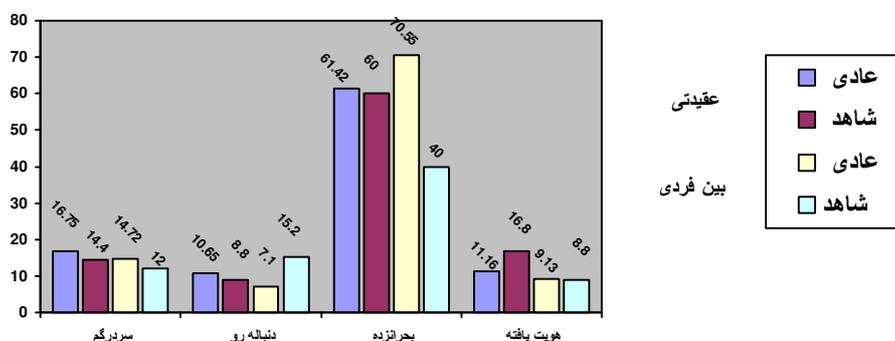
خی دو دو طرفه برای مقایسه دانش آموزان دختر عادی و شاهد در هویت یابی عقیدتی و بین فردی نیز به ترتیب (2/375) و (5/60) محاسبه شد که با درجه آزادی (3) در سطح معنا دار قرار نگرفت. لذا میان نوجوانان دختر شاهد و عادی از نظر هویت یابی عقیدتی و بین فردی هیچگونه تفاوت معنا داری وجود ندارد. فراوانی درصدی منزلت های چهار گانه نیز حاکی از تجمع فزاینده افراد در منزلت بحران زده است در حالیکه در سایر منزلت ها درصد کمتری از افراد تجمع دارند (به نمودار شماره 2 نگاه کنید).

نمودار شماره (1) مقایسه فراوانی درصدی هویت یابی عقیدتی و بین فردی دانش آموزان شاهد و عادی بطور

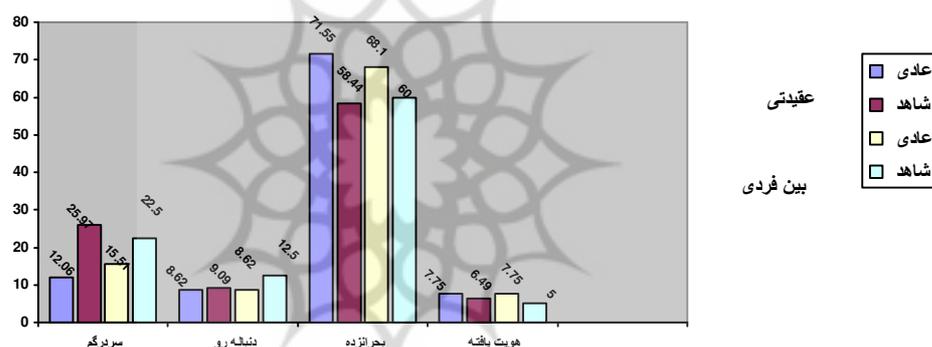
کلی



نمودار شماره (2) مقایسه فراوانی درصدی هویت یابی عقیدتی و بین فردی دانش آموزان دختر عادی و شاهد



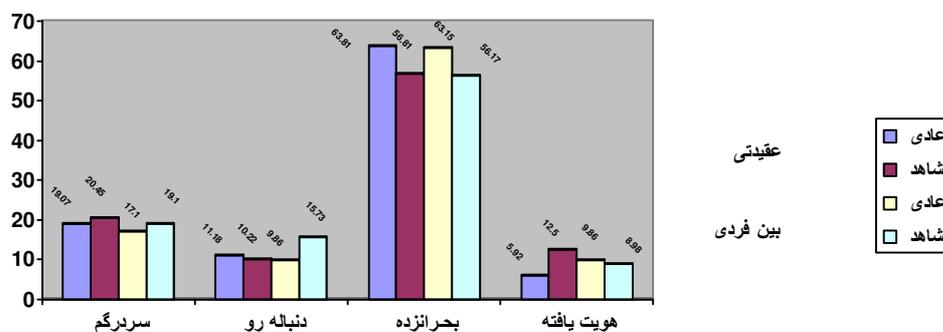
نمودار شماره (3) مقایسه فراوانی درصدی هویت یابی عقیدتی و بین فردی دانش آموزان پسر عادی و شاهد



خی دو طرفه برای مقایسه دانش آموزان پسر عادی و شاهد در هویت یابی عقیدتی و بین فردی نیز به ترتیب (6/392) و (2/978) محاسبه شد که با درجه آزادی (3) در سطح معنادار قرار نگرفت لذا میان نوجوانان پسر شاهد و عادی از نظر هویت یابی عقیدتی و بین فردی هیچگونه تفاوت معناداری وجود ندارد. فراوانی درصدی منزلت های چهار گانه نیز حاکی از تجمع فزاینده افراد هر دو گروه شاهد و عادی در منزلت بحران زده است در حالیکه در سایر منزلت ها درصد کمتری از افراد تجمع دارند (به نمودار شماره 3 نگاه کنید).

نمودار شماره (4) مقایسه فراوانی درصدی هویت یابی عقیدتی و بین فردی دانش آموزان عادی و شاهد

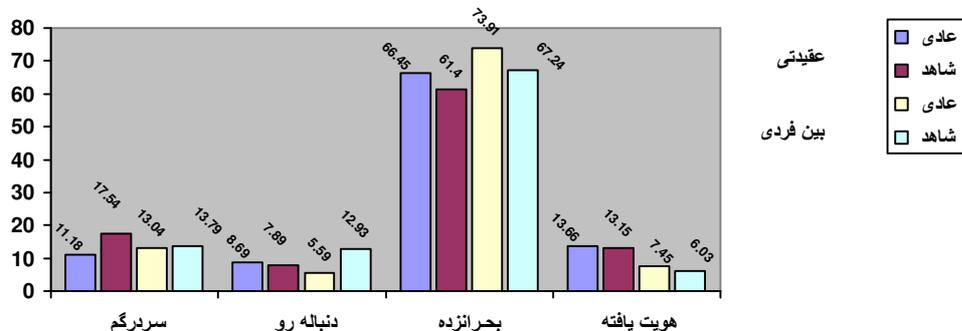
### مقطع تحصیلی سوم دبیرستان



خی دو طرفه برای مقایسه دانش آموزان عادی و شاهد مقطع تحصیلی سوم دبیرستان در هویت یابی عقیدتی و بین فردی نیز به ترتیب (3/441) و (2/224) محاسبه شد که با درجه آزادی (3) در سطح معنادار قرار نگرفت لذا میان دانش آموزان مقطع تحصیلی سوم دبیرستان شاهد و عادی از نظر هویت یابی عقیدتی و بین فردی هیچگونه تفاوت معناداری وجود ندارد. فراوانی درصدی منزلت های چهار گانه نیز حاکی از تجمع فزاینده افراد هر دو گروه شاهد و عادی در منزلت بحران زده است در حالیکه در سایر منزلت ها درصد کمتری از افراد تجمع دارند) به نمودار شماره 4 نگاه کنید).

نمودار شماره (5) مقایسه فراوانی درصدی هویت یابی عقیدتی و بین فردی دانش آموزان عادی و شاهد مقطع

تحصیلی پیش دانشگاهی



خی دو طرفه برای مقایسه دانش آموزان عادی و شاهد مقطع تحصیلی پیش دانشگاهی در هویت یابی عقیدتی و بین فردی نیز به ترتیب (0/482) و (3/267) محاسبه شد که با درجه آزادی (3) در سطح معنادار قرار نگرفت لذا میان دانش آموزان مقطع تحصیلی پیش دانشگاهی شاهد و عادی از نظر هویت یابی عقیدتی و بین فردی هیچگونه تفاوت معناداری وجود ندارد. فراوانی درصدی منزلت های چهار گانه نیز حاکی از تجمع فزاینده افراد هر دو گروه شاهد و عادی در منزلت بحران زده است در حالیکه در سایر منزلت ها درصد کمتری از افراد تجمع دارند) به نمودار شماره 5 نگاه کنید).

سایر مقایسه های انجام شده میان دانش آموزان شاهد دختر مقطع سوم، پسر مقطع سوم، دختر مقطع پیش دانشگاه و پسر مقطع پیش دانشگاهی با هم تایان عادی شان با استفاده از آزمون خی دو طرفه در هر دو سطح عقیدتی و بین فردی مانند موارد قبلی در سطح معنی دار قرار نگرفت و حاکی از این بود که میان دانش آموزان شاهد و هم تایان عادی شان هیچگونه تفاوت معناداری وجود ندارد. مشاهده فراوانی های درصدی نیز مانند موارد قبل در همه موارد دال بر تجمع فزاینده افراد در منزلت بحران زده است. همچنین مقایسه دانش آموزان دختر و پسر شاهد و مقاطع تحصیلی سوم و پیش دانشگاهی نیز هیچگونه تفاوت معناداری را نشان نداد (جداول و نمودارها گزارش نشده است).

#### بحث و نتیجه گیری:

نتایج بررسی ها در کل حاکی از این است که دانش آموزان شاهد اعم از دختر و پسر از نظر عقیدتی و بین فردی در آستانه دست یابی به هویت یافتگی قرار دارند. به عبارت دیگر اکثر آنها از لحاظ هویت عقیدتی و بین فردی در منزلت بحران زده یا همان هویت در حال تحقق هستند و تعداد اندکی از آنها هویت یافته، سردرگم و یا دنباله رو هستند. این نتیجه در مورد دانش آموزان شاهد دختر مقطع تحصیلی سوم و پیش دانشگاهی و نیز نوجوانان پسر مقطع تحصیلی

پیش‌دانشگاهی نیز یکسان است، اما بررسی‌هایی که بر روی دانش‌آموزان شاهد پسر مقطع تحصیلی سوم دبیرستان انجام شد حاکی از این است که دانش‌آموزان این مقطع در هیچ کدام از منزلت‌های هویتی عقیدتی و بین‌فردی بیش از منزلت‌های دیگر تجمع نیافته‌اند و فراوانی آنها در هر چهار منزلت مساوی است. با این وجود فراوانی‌های این گروه از دانش‌آموزان افزایش اندکی را در منزلت‌های هویت عقیدتی و بین‌فردی بحران زده و سردرگم نشان می‌دهد که از لحاظ آماری معنا دار نیست. این نتیجه در قیاس با دختران شاهد مقطع تحصیلی سوم که بیشتر در منزلت بحران زده تجمع یافته‌اند حاکی از این است که دانش‌آموزان دختر این مقطع هم از لحاظ عقیدتی و هم از لحاظ بین‌فردی بر پسران همتای خود برتری دارند. با این وجود بررسی‌هایی که برای مقایسه این دو گروه با استفاده از آزمون‌های دو طرفه به عمل آمد این برتری را نشان نمی‌دهد و تفاوت‌های میان آنها در سطح معنا دار قرار نگرفت.

بررسی‌های دیگری که برای مطالعه تفاوت میان گروه‌های مختلف دانش‌آموزان: (عادی، شاهد)، (عادی دختر، شاهد دختر)، (عادی پسر، شاهد پسر)، (شاهد دختر، شاهد پسر)، (سوم دختر، سوم پسر)، (پیش‌دانشگاهی عادی، پیش‌دانشگاهی شاهد)، (پیش‌دانشگاهی عادی دختر، پیش‌دانشگاهی شاهد دختر)، (سوم عادی پسر، سوم شاهد پسر)، (سوم عادی دختر، سوم شاهد دختر)، (سوم شاهد دختر، سوم شاهد پسر) به عمل آمد حاکی از این بود که نه در هویت عقیدتی و نه در هویت بین‌فردی میان هیچ‌کدام از گروه‌های ذکر شده تفاوت معنادار وجود ندارد.

بنابراین نه متغیر شهادت اعضای خانواده و نه متغیر جنسیت و نه متغیر پایه تحصیلی سوم و پیش‌دانشگاهی هیچ‌کدام ارتباط معناداری با هویت‌یابی دانش‌آموزان ندارند. به عبارت دیگر میان پایه‌های تحصیلی سوم و پیش‌دانشگاهی و دانش‌آموزان دختر و پسر و دانش‌آموزان شاهد و غیر شاهد هیچگونه تفاوت معناداری از نظر هویت‌یابی عقیدتی و بین‌فردی وجود ندارد. و دانش‌آموزان دختر و پسر سوم و پیش‌دانشگاهی شاهد از نظر هویت‌یابی عقیدتی و بین‌فردی مانند دیگر افراد (غیر شاهد) همتای خودشان در منزلت بحران زده که مرحله فعال هویت‌یابی محسوب می‌شود قرار دارند.

همانگونه که قبلاً ذکر شد بحران زندگی بمنزله دوره فعالی است که فرد در آن در جستجوی پاسخ به سؤالاتی درباره مجموعه‌ای از ارزشها یا اصولی است که قصد تعقیب آنها را دارد. و لذا نه تنها قرار گرفتن افراد در این سنین که سنین هویت‌یابی می‌باشد نشانه وخامت اوضاع نیست بلکه نشانه مثبتی از قرار گرفتن نوجوان در آستانه رسیدن به هویت یافتگی است (مارسیا، 1996) و تا هنگامی که فرد این دوره را طی نکند نمی‌تواند به هویت‌یابی که مرحله آخر است برسد. بعبارتی در مرحله‌ای از زندگی عدم وجود بحران یا مطرح نشدن سؤال اصلی «من چه کسی هستم» است که نابهنجار تلقی می‌شود. بحران زندگی آخرین مرحله قبل از هویت یافتگی است. بحران زندگی یک منزلت هویتی است که

فرد در آن به یک راه حل شخصی دست نیافته است و ممکن است چند سال در این منزلت به سر برد. در این منزلت هویتی فرد تلاش می‌کند تا با انتخاب و تعهد نسبت به شغل، نوع رابطه با دیگران و مکتب عقیدتی از میان انتخاب‌های ممکن به هویت خود شکل دهد. افرادی که در منزلت بحران زده هستند شدیداً دل مشغول انتخاب‌های مناسب، اهداف و برنامه‌های زندگی و تعهد نسبت به آنها هستند. پس از یک دوره بررسی‌های جدی و نهایتاً انتخاب و تعهد نسبت به اهداف و برنامه‌های زندگی فرد به هویت یافتگی میرسد. هویت یافتگی بالاترین سطح از نظر سازش یافتگی و قدرت من است. فرق این منزلت با منزلت دنباله‌رو که مرحله قبل از بحران زدگی است این است که افراد دنباله‌رو دارای من نامنعطف هستند در حالیکه افراد هویت یافته از من قوی و منعطف برخوردارند.

مسئله مهمی که باید به آن توجه داشت این است که چهار منزلت هویتی مطرح شده از سوی مارتیا بعنوان چهار سطحی که نوجوان باید یکی پس از دیگری آنها را طی کند نمی‌باشند ولی منزلت بحران زده همواره قبل از منزلت هویت یافته تجربه می‌شود. در مطلوب‌ترین شرایط بحران هویت باید در اوایل یا اواسط دهه سوم عمر حل شود تا فرد بتواند به مسایل دیگر زندگی بپردازد. وقتی این فرایند با موفقیت انجام پذیرد می‌گوییم فرد به هویت دست یافته است به این معنی که وی به مفهوم یکپارچه‌ای از هویت خویش نایل شده است (اتکینسون و هیلگارد، 1378).

میل من (1977 به نقل از برجعلی، 1378) در طی تحقیق خود نقطه اوج هویت‌یابی را سن 21 تا 24 سال ذکر کرده است و نتایج تحقیقات وی نشانگر این است که آزمودنیها در آغاز نوجوانی دارای هویت دنباله‌رو یا سردرگم هستند. لاوئی (1976) نیز با بررسی نوجوانان دختر و پسر دبیرستانی (15 تا 18) ساله علیرغم افزایش شکل‌گیری هویت روند افزایش هویت را معنی‌دار نمی‌یابد. واترمن (1982) هم ضمن بررسی موضوع تحول هویت از نوجوانی تا بزرگسالی نتیجه‌گیری کرده است که علیرغم تغییرات اندک در هویت نوجوانان، درصد اندکی از نوجوانان تا پایان نوجوانی به هویت یابی نایل می‌شوند.

نتایج تحقیق حاضر نیز با نتایج محققان ذکر شده همخوان است و نشان می‌دهد که نوجوانان شاهد دختر و پسر سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی، که در سنین 17 تا 19 سال قرار دارند، درست مانند دیگر افراد (غیر شاهد) همتای خود در آستانه هویت‌یابی که دوره فعال پرسشگری در باره مسایل مختلف عقیدتی یعنی مذهب، سیاست، شغل و فلسفه زندگی است و نیز مسایل بین فردی یعنی انتخاب دوست، ارتباط با جنس مخالف، نقش همسری و انتخاب تفریحات است به سر می‌برند.

## منابع:

برجعلی، احمد. (1378). تحول شخصیت نوجوان، تهران: انتشارات آموزش و پرورش .

کرباسی، منیژه، و وکیلان، منوچهر. (1379). مسایل نوجوانان و جوانان، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور .

ریتا ال. اتکینسون و دیگران. (1381). زمینه روانشناسی (ترجمه محمدنقی براهنی و همکاران). تهران: انتشارات رشد.

رحیمی نژاد، عباس. (1376). رابطه میان هویت‌یابی، حرمت خود و اضطراب. رساله دکتری چاپ نشده، دانشگاه تربیت مدرس.

رحیمی نژاد، عباس، و احمدی، علی اصغر. (1374). مطالعه تحلیلی و علی هویت‌یابی نوجوانان ایرانی و رابطه آن با ساخت اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی خانواده در دانش‌آموزان دختر و پسر نوجوان تهرانی. [گزارش] . معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش.

منصور، محمود، و دادستان، پریچهر . (1381). روانشناسی ژنتیک. تهران: انتشارات رشد.

- Cote, J.S and Levine, C (1987)- A formulation of Erikson's theory of ego identity formation- Developmental Reivew, 7, 272-325**
- Cote, J.E. and Leving, C. (1988)- A critical examination of the ego identity status paradigm – Develpmental Review 8, 147-184.**
- Kroger, J (1993) – Discussion on Ego Identity-Lawrence Erlbaum Associations, Publishers Hillsale, New Jersey.**
- Lavoie, J.C. (1976) – Ego identity formation in middle adolescence – Journal of Youth and Adolescence – Vol.5, No.4**
- Loevinger. J., Cohn, L.D., Bonneville, L.P., Redmore, C.D., Streich, D.D., Sargent. M. (1985) – Ego development in college-Journal of Personality and Social Psychology-Vol. 48, No. 4 947-962**
- Marcia, J.E (1996). Development and validiation of ego identity status-Journal of Personality and Social Psychology-3(5) 551-558**
- Marcia, J.E (1980)- Identity in adolescence in Handbook of adolescent psychology (ed) by Adelson. J (1980) – John Willy and Sons, New York.**
- Markstrom – Adams, C., Hofstra, G. and Dougher, K (1994) – The ego virtue of fidelity: a case for the study of religion and identity formation in adolescence. Journal of Youth and Adolescence 23: 453-469.**
- Noam, G.G (1988) – The self, adult development, and the theory of biography and transformation – in D.K. Lapsly and F.C. self, ego and identity: integrative approaches, New York: Springer-Verlag.**

**Waterman, A.S. (1982)- Identity development from adolescence to adulthood: an extension of theory and a review of research-Developmental Psychology-Vol. 18, No. 3, 341-358.**

**Waterman, A.S. (1992) – Identity as an aspect of optimal psychological functioning – in Adams, G.R., Gullotta, T.P Montemayor, R (eds), Adolescent identity formation. Sage Publication.**

